

صابر ابر بهترین انتخاب برای نقش اول فیلم «بعد از رفتن»

«بعد از رفتن» به کارگردانی رضا نجاتی سال گذشته در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد؛ اولین فیلم نجاتی این روزها روی پرده سینماست؛ یک فیلم خانوادگی که در آن چهره‌های سینمایی بازی می‌کنند.

به گزارش سایت خبری پرسون، رضا نجاتی، کارگردان فیلم سینمایی «بعد از رفتن» که اکران آن به‌تازگی در سینماها شروع شده، در پاسخ به این سؤال که چرا فاصله شروع تا اتمام فیلمنامه «بعد از رفتن» نزدیک به ۳ سال طول کشیده است، می‌گوید: «نگارش فیلمنامه «بعد از رفتن» ۳ سال طول نکشید، بلکه تبدیل‌شدن فیلمنامه به یک فیلم سینمایی کمی زمان‌بر بود. آن هم به دلیل آنکه من یک‌بار طرح را نوشتم و تبدیل به فیلمنامه کردم، اما آن را کنار گذاشتم تا با منطق بیشتری با اثر برخورد کنم.»

تجربه یک دنیای موازی دیگر

وی در ادامه با بیان این مطلب که در این فاصله ۲ ایده فیلم کوتاه داشتم و علاقه‌مند بودم مانند دیگر فیلمسازان اثری را خلق کنم. توضیح می‌دهد: «تصور می‌کنم بقای هر فیلمساز، به خلق یک اثر بازمی‌گردد، یکی از ایده‌ها را پیگیری کردم که تبدیل به فیلم کوتاه «شوفر» شد. تصورم این بود که بعد از آن، فیلم بلند «بعد از رفتن» را می‌سازم. اما باگذشت زمان به این نتیجه رسیدم که در کارنامه فیلم کوتاه‌ها ساخت یک اثر دیگر لازم است که باید ساخته شود، پس به سراغ ساخت «ارفاق» رفتم. پس از آن احساس کردم که زمان بازگشت به فیلمنامه بلند سینمایی‌ام است تا سر و شکلی به آن بدهم و آن را بسازم. بازنویسی‌های متعددی شد تا به «بعد از رفتن» رسیدیم. نجاتی همچنین درباره این موضوع که چرا نگارش فیلمنامه همه آثاری که تاکنون ساخته، برعهده خودش بوده، می‌گوید: «به جز یک مورد نگارش فیلمنامه همه آثار کوتاهی که تا به امروز ساخته‌ام، برعهده خودم بوده. اصولاً جهانی را در فیلمنامه می‌سازم که ممکن است مدام تغییری در جهان قصه، روایت و فیلمنامه ایجاد شود. این می‌تواند در دورخوانی با بازیگران و یا حتی تعریف کردن قصه برای آدم‌های مختلف نیز اتفاق بیفتد. ناگفته نماند که حتی تا لحظه گرفتن یک پلان ممکن است فیلمنامه با تغییراتی مواجه شود.» این کارگردان در ادامه می‌گوید: «معتقدم باید به اثر نگارشی نویسنده احترام گذاشت، پس به سراغ فیلمنامه شخص دیگری نمی‌روم، چون اگر این اتفاق بیفتد، خروجی با آن چیزی که بوده است، متفاوت خواهد شد و ممکن است باعث ناراحتی نویسنده شود. پس من یک گام عقب‌تر می‌روم و چیزی را انتخاب می‌کنم که بتوانم تغییر دهم و این چیزی نیست جز فیلمنامه خودم. البته در تجربه‌های آتی با نویسندگان دیگری کار خواهم کرد، چراکه تجربه‌ویژه و جذابی است که دنیای دیگری را به موازات با دنیای خودم کارگردانی کنم.»

یک فیلم دیالوگ‌محور

یکی از موضوعات این فیلم دیالوگ‌محور بودنش است که نجاتی در این‌باره توضیح می‌دهد: «شکلی که برای نگارش فیلمنامه داشتم این بود که این آدم‌ها هیچ وقت در گذشته با هم صحبت نکرده‌اند و حرف‌ها روی‌هم تلنبار شده و حالا بعد از سال‌ها فرصتی به‌وجود آمده است که افراد با هم حرف بزنند، همدیگر را درک کنند و بشنوند، پیش از آنکه بگویند. پس بار دیالوگی فیلم زیاد می‌شود. سعی کردم همان میزان که دیالوگ در فیلم اطلاعاتی را منتقل می‌کند به همان اندازه با تصویر، فیلم را جلو ببریم.»

شخصیت‌های کامل‌کننده نقش اول

این فیلمنامه‌نویس در پاسخ به این سؤال که چرا شخصیت پدر و مادر آرش و حتی مونا تا انتهای قصه گنگ و ناشناخته باقی می‌مانند، می‌گوید: «مسئله اصلی فیلم شخصیت آرش است؛ او قصه را پیش می‌برد و هرچه فیلم جلو می‌رود، بیشتر گذشته‌اش را کشف می‌کنیم. پس دلیلی نداشت که به دیگر شخصیت‌ها پرداخته شود؛ چراکه قرار بود گره‌های شخصی و شخصیت آرش باز شود. شخصیت‌های دیگر کامل‌کننده آرش هستند.»

شکل‌گیری یک زبان مشترک با بازیگر

نجاتی در ادامه درباره حضور بازیگران چهره در نخستین اثر سینمایی بلند خود و استفاده از تجربه‌های آنان نیز می‌گوید: «کارکردن با بازیگران حرفه‌ای و نام‌آشنا قطعاً به فیلم اضافه خواهد کرد، اما چیزی که اهمیت دارد رسیدن به زبان مشترک با بازیگران است، چراکه فیلمساز وقتی به‌عنوان کارگردان به سراغ بازیگر می‌رود، به دنبال شکل‌گیری زبان مشترک با اوست نه صرفاً چهره‌بودن یا نبودن او. همچنین هر قدر بتوانیم با بازیگر روی فیلمنامه که من اسم آن را نقشه‌راه می‌گذارم، به تفاهم برسیم، خروجی بهتر خواهد بود. قاعدتاً برای من کار با بازیگران از هر شکل و طیفی هیچ زمان چالشی نداشته و قطعاً از تجربه آن‌ها می‌توانم بهره‌برم.»

انتخاب صابر ابر درست بود

این کارگردان در مورد انتخاب صابر ابر به‌عنوان بازیگر شخصیت آرش نیز توضیح می‌دهد: «درباره شخصیت آرش با بازی صابر ابر نیز به سراغی کسی رفتم که به فراخور قصه به نقشی که نوشته بودم، نزدیک باشد. اگرچه در تعاملات نیز برخی موارد تغییر می‌کند. اینکه گفته می‌شود ما با صابر ابر

متفاوت مواجه نیستیم، قبول ندارم، چراکه شکل نگاه، دیالوگ‌گویی، اکت‌ها و... مجموعه مواردی هستند که می‌توانند بازی را بسازند و این اثر با دیگر آثار او تفاوت دارد. شاید ابتدا این حس را به ما منتقل کند که با صابر ابر متفاوت روبه‌رو نیستیم، اما در جزئیات به این نتیجه می‌رسیم که این نقش با دیگر نقش‌های او تفاوت دارد.»

نجاتی در جواب به این سؤال که آیا تصور می‌کند ورودش به عرصه ساخت فیلم بلند داستانی در زمان درستی اتفاق افتاده یا خیر؟ می‌گوید: «این قضیه حساب و کتاب درستی ندارد. شما نمی‌توانید بگویید امروز روز درست برای وارد شدن به سینمای بلند است یا ۶ ماه دیگر زمان مناسب‌تری است. مهم‌ترین چالش فیلمساز، کار فیلمسازی است، یعنی اینکه ما به آن مواردی که در ذهن داریم، عمل کنیم و به شکل بصری و شنیداری تبدیل کنیم. در این میان ممکن است در تجربه اول فیلمساز موفق شود و یا شکست بخورد، البته من معنای آن را درک نمی‌کنم، چون ممکن است فیلمسازی، فیلمی را دوست نداشته باشد، اما در قلب و روح کارگردان و فیلمساز موفقیتی بزرگ باشد و یا برعکس. هر آدمی که روزی احساس کند باید فیلمش را بسازد، باید اقدام کند و نباید درگیر محاسبات شود.»

منبع: آفتاب‌نیوز